

امکان سنجی فقهی طرح‌های بازنشستگی خصوصی ترکیبی در ایران*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۳۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۸/۲۴

غلامرضا مصباحی مقدم** علی سعیدی*** محمد صفری****

چکیده

طبق برآوردها جمعیت سالمند ایران همانند جهان سال به سال افزایش خواهد یافت؛ از آنجاکه نسل جوان وظیفه حمایت نسل مسن را بر عهده دارد، بی‌تعادلی ایجادشده در سال‌های آتی یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های سیاست‌گذاران نظام بازنشستگی خواهد بود؛ افزایش طول عمر در دهه‌های اخیر و روند رو به رشد آن، منجر به تعهدات تأمین‌نشده قابل توجهی در طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین شده است؛ در این میان طی سال‌های اخیر طرح‌های بازنشستگی ترکیبی به واسطه ویژگی‌های خاص خود همچون انعطاف‌پذیری بالا و امکان مدیریت ریسک بیشتر در دنیا رو به افزایش هستند.

تحقیق پیش رو به امکان‌سنجی فقهی این نوع طرح‌ها بر اساس فقه امامیه می‌پردازد؛ بر اساس بررسی فقهی صورت گرفته، شبهات غرری و ربوی بودن به عنوان دو مسئله اساسی طرح‌های بازنشستگی شناسایی شد؛ این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی-استنباطی، راهکارهایی جهت اصلاح طرح‌ها و رفع شبهات ارائه نمود؛ از جمله راهکارهای اصلاحی می‌توان به «ابهام‌زدایی از طرح‌های بازنشستگی»، «پرداخت سالواره از محل دارایی‌های عضو طرح بازنشستگی» و «پرداخت سالواره مرتبط با سرمایه‌گذاری مشروع» اشاره کرد.

واژگان کلیدی: صندوق بازنشستگی، طرح بازنشستگی، بیمه عمر، سالواره، فقه امامیه.

طبقه‌بندی JEL: G23, H55, J32, Z12

۱۷۹

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هفدهم / شماره ۶۵ / بهار ۱۳۹۶

*. مقاله پیش رو برگرفته از رساله دکترای نویسنده مسئول با عنوان «بازطراحی طرح‌های بازنشستگی خصوصی ترکیبی در ایران مبتنی بر فقه امامیه و پویایی سیستمی» در رشته مدیریت مالی دانشگاه امام صادق علیه السلام است.

** دانشگاه امام صادق علیه السلام. Email: ghmesbahi@yahoo.com.

*** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال. Email: a-saeedi@iau.tnb.ac.ir.

**** دانشجوی دکترای مدیریت مالی دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول).

Email: m.safari@isu.ac.ir.

مقدمه

مسن شدن جمعیت امری فراگیر در سراسر دنیا است که باید آن را نتیجه بهبود وضعیت بهداشت عمومی، وضعیت غذایی بهتر، آگاهی بیشتر درباره شیوه‌های صحیح زندگی و تجهیزات پزشکی دانست؛ امید زندگی مردم در بیشتر نقاط دنیا رو به افزایش است که در نتیجه نسبت افراد مسن به کل جمعیت نیز در آنها رو به رشد است؛ طبق آمارها هر سال حدود ۱.۷ درصد به جمعیت جهان افزوده می‌شود؛ این افزایش برای جمعیت ۶۵ سال و بالاتر ۲.۵ درصد است و این فاصله ترکیب سنی جهان را به سوی پیرشدن سوق می‌دهد (شکوری، ۱۳۸۸، ص ۴-۵)؛ در این میان جمعیت سالمند ایران نیز سال به سال افزایش خواهد یافت؛ به نحوی که در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۰ درصد و در سال ۱۴۱۵ حدود ۱۵ درصد و در سال ۱۴۲۸ بیش از ۲۵ درصد از جمعیت ایران، بالای ۶۰ سال خواهند داشت (همان، ص ۹).

۱۸۰

از آنجاکه نسل جوان وظیفه حمایت نسل مسن را بر عهده دارد، بی‌تعادلی ایجاد شده در سال‌های آتی باید یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های سیاست‌گذاران باشد؛ افزون بر این، با افزایش تعداد سالمندان، میزان هزینه‌های درمانی و تأمین اجتماعی نیز افزایش می‌یابد که مضاف بر محدودیت‌های منابع می‌باشد؛ در حال حاضر تعداد بسیار کمی از سیاست‌گذاران به اثرات بلندمدت این پدیده توجه می‌نمایند؛ روند رو به افزایش تعداد افراد بیش از شصت سال مسائل زیادی را در آینده نزدیک به همراه خواهد داشت که برای سیاست‌گذاران، طراحان و فعالان اجتماعی چالش‌برانگیز خواهد بود؛ یکی از مهم‌ترین حوزه‌های در معرض آسیب در مقابل افزایش طول عمر، تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی است.

در طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین (Defined Benefit) که توضیح آن در بخش ادبیات خواهد آمد، سطوح مستمری پیش از زمان بازنشستگی تعیین می‌شوند و بدون توجه به اینکه سرمایه‌گذاری در صندوق به چه شکل خواهد بود، پرداخت مستمری‌ها را تضمین می‌کند؛ معمولاً مستمری‌ها بر اساس سال‌های خدمت افراد در زمان اشتغال و نسبتی از حقوق سال‌های پایانی اشتغال محاسبه می‌شود؛ افزایش طول عمر در دهه‌های اخیر و روند رو به رشد آن، منجر به تعهدات تأمین نشده قابل توجهی در طرح‌های بازنشستگی با

مزایای معین شده است؛ یکی از خطرهای جدی که طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین با آن روبه‌رو هستند افزایش طول عمر است؛ افزایش طول عمر یک خطر واقعی و جدی است که امروزه صندوق‌های بازنشستگی با آن روبه‌رو هستند و آنچه مسلم است با گذشت زمان این خطر جدی‌تر خواهد شد؛ افزایش طول عمر مستمری‌بگیران به معنای افزایش مدت پرداخت مستمری به وسیله صندوق‌های بازنشستگی است.

بنابراین با افزایش جمعیت سالمندان، یکی از چالش‌های پیش روی صندوق‌های بازنشستگی، پیشی گرفتن تعداد مستمری‌بگیران از تعداد شاغلین است؛ همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، در صندوق بازنشستگی کشوری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صندوق‌های بازنشستگی ایران طی سال‌های ۱۳۶۵ به بعد برای نخستین بار در سال ۱۳۸۹ تعداد مستمری‌بگیران از تعداد شاغلین بیشتر شده است؛ این روند به استثنای سال ۱۳۹۱ در سال‌های بعد نیز تاکنون ادامه دارد.

۱۸۱

جدول ۱: مقایسه روند رشد شاغلین و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی کشوری

سال	تعداد شاغلین	روند رشد تعداد شاغلین	تعداد مستمری‌بگیران	روند رشد مستمری‌بگیران
۱۳۶۵	۱,۰۱۷,۸۳۴	۱۰۰	۱۵۷,۲۵۷	۱۰۰
۱۳۷۰	۱,۳۲۹,۵۴۴	۱۳۱	۱۸۶,۴۱۴	۱۱۹
۱۳۷۵	۱,۴۳۶,۶۰۵	۱۴۱	۳۰۰,۶۳۰	۱۹۱
۱۳۸۰	۱,۵۷۲,۸۹۵	۱۵۵	۵,۱۹۳,۳۳۰	۳۳۰۲
۱۳۸۱	۱,۵۶۲,۱۶۴	۱۵۳	۵۸۰,۴۴۹	۳۶۹
۱۳۸۲	۱,۵۲۲,۹۳۹	۱۵۰	۶۳۸,۵۹۶	۴۰۶
۱۳۸۳	۱,۴۷۲,۳۱۶	۱۴۵	۶۹۴,۱۳۰	۴۴۱
۱۳۸۴	۱,۴۵۳,۹۷۴	۱۴۳	۷۵۰,۱۵۰	۴۷۷
۱۳۸۵	۱,۴۱۷,۸۷۷	۱۳۹	۸۰۲,۰۶۲	۵۱۰
۱۳۸۶	۱,۴۰۰,۱۵۴	۱۳۸	۸۶۵,۶۰۱	۵۵۰
۱۳۸۷	۱,۳۱۹,۱۴۷	۱۳۰	۹۷۴,۳۴۴	۶۲۰
۱۳۸۸	۱,۲۳۴,۴۸۰	۱۲۱	۱,۰۶۵,۸۸۶	۶۷۸
۱۳۸۹	۱,۰۵۶,۳۰۰	۱۰۴	۱,۰۹۶,۸۵۲	۶۹۷
۱۳۹۰	۱,۱۴۷,۵۰۰	۱۱۳	۱,۱۲۲,۷۰۲	۷۱۴
۱۳۹۱	۱,۲۳۸,۰۰۰	۱۲۲	۱,۱۷۸,۰۷۰	۷۴۹
۱۳۹۲	۱,۱۹۵,۷۵۰	۱۱۷	۱,۳۰۸,۰۷۶	۷۶۸
۱۳۹۳	۱,۱۵۰,۰۰۰	۱۱۳	۱,۲۴۲,۶۳۷	۷۹۰
۱۳۹۴	۱,۱۹۱,۱۰۰	۱۱۷	۱,۲۶۹,۴۱۹	۸۰۷
خرداد ۱۳۹۵	۱,۲۶۲,۳۰۰	۱۲۴	۱,۲۷۸,۹۸۸	۸۱۳

منبع: (عطاریان، ۱۳۹۰، ص ۱ / انتظاری و حسینی‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

علاوه بر این از سال ۱۳۸۷ میزان پرداختی به بازنشستگان نسبت به اندوخته اعضای صندوق نیز پیشی گرفته است (عطاریان، ۱۳۹۰، ص ۶)؛ همان‌طور که پیش‌تر نیز توضیح داده شد با پیشی گرفتن تعداد بازنشستگان به مشترکین طرح، صندوق‌های بازنشستگی از نوع مزایای معین با مشکل جدی روبه‌رو خواهند شد؛ چراکه تعهدات طرح ثابت ولی تعداد مشترکین رو به کاهش است.

بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین در حال حاضر با مشکلات و مسائل جدی روبه‌رو هستند که بقای آنها را دچار تهدید و منافع اعضا را با خطر قابل توجهی روبه‌رو نموده است؛ از این رو در برخی از کشورهای دنیا از طرح‌های بدیل همچون طرح‌های بازنشستگی با کمک معین (Defined Contribution) و در بسیاری دیگر از طرح‌های ترکیبی (Hybrid) استفاده می‌شود؛ طرح‌های بازنشستگی ترکیبی با توجه به ویژگی‌هایی که از آن برخوردارند، - همچون برخورداری از امکانات هر دو نوع مزایای معین و کمک معین، پاسخگویی به طیف بیشتری از سلیقه‌ها و علایق و نیز بهره‌مندی از انعطاف بیشتر نسبت به دو نوع دیگر - بیشتر در کانون توجه سیاست‌گذاران نظام بازنشستگی دنیا و از جمله ایران قرار دارند.

هدف از انجام این تحقیق «امکان‌سنجی فقهی پیاده‌سازی طرح‌های بازنشستگی ترکیبی در نظام بازنشستگی کشور» می‌باشد؛ از این رو سؤال اصلی پژوهش عبارت خواهد بود از اینکه: «استفاده از طرح‌های بازنشستگی ترکیبی در نظام بازنشستگی کشور با چه شرایطی از نظر فقهی مجاز می‌باشد؟» برای پاسخ به این سؤال در پژوهش پیش رو از روش تحلیلی - استنباطی استفاده خواهد شد.

پیشینه تحقیق

احمد مانجو (Manjoo, 2012) در مقاله خود با عنوان «اصلاحات قانونی انگلستان در حوزه بازنشستگی و فرصت‌های پیش رو برای صندوق‌های بازنشستگی اسلامی» بیان می‌دارد: مقررات انگلستان در حوزه بازنشستگی برای پاسخگویی به جمعیت مسلمان این کشور امکان بهره‌مندی از صندوق‌های بازنشستگی اسلامی را پیش‌بینی کرده است؛ این مقاله نخست به بیان مفهوم صندوق بازنشستگی اسلامی پرداخته؛ سپس برخی مسائل فقهی پیش

روی این موجودیت جدید را بیان می‌کند؛ مهم‌ترین مسائلی که نویسنده در این باره یاد می‌کند عبارت‌اند از: ۱. کیفیت برخورد فقه اسلامی با نحوه محاسبه وجوه یک کارمند عضو صندوق بازنشستگی هنگامی که پیش از موعد بازنشستگی فوت کند؛ ۲. لزوم سرمایه‌گذاری منابع صندوق‌های بازنشستگی اسلامی در طرح‌ها و پروژه‌های مشروع؛ ۳. مفهوم «سالواره» که در پایان عضویت فرد در صندوق بازنشستگی و هنگام شروع دوران بازنشستگی مطرح می‌شود و اینکه چنین مفهومی پیشینه قبلی در آموزه‌های اسلامی ندارد و ۴. از آنجاکه ساختار طرح‌های بازنشستگی متعارف در چارچوب فقه اسلامی نمی‌گنجد ضرورت دارد صندوق‌های بازنشستگی اسلامی در قالب‌های جدید مثل تبرع در تکافل ساختاردهی مجدد شود.

۱۸۳

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / امکان‌سنجی فقهی طرح‌های بازنشستگی ...

عبده تبریزی و رادپور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تجدید ساختار نظام تأمین اجتماعی و بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران» ضمن به چالش کشیدن وضعیت فعلی نظام بازنشستگی کشور و برشمردن نقاط ضعف و نارسایی‌های نظام دولتی فعلی صندوق‌های بازنشستگی، جداسازی و کوچک‌سازی، تجدید ساختار تشکیلات دولتی و تشکیل و بسط صندوق‌های بازنشستگی خصوصی را پیشنهاد می‌دهند.

روغنی‌زاده (۱۳۸۴) در گزارشی که به وسیله واحد مطالعات و تحقیقات بیمه‌ای صندوق بازنشستگی کشوری منتشر شده است با عنوان «تحلیل ریاضی بر وضعیت صندوق‌های بازنشستگی ایران و طراحی سیستم بهینه برای صندوق‌های یادشده» پس از بررسی وضعیت صندوق‌های بازنشستگی در ایران به چگونگی اصلاح نظام بازنشستگی به منظور پایداری صندوق‌های بازنشستگی می‌پردازد و سرانجام نخستین اقدام ضروری در اصلاح نظام بازنشستگی ایران را افزایش دوره پرداخت حق بیمه معرفی نموده و پیشنهاد می‌کند برای شاغلین جدید از طرح‌های بازنشستگی با کسور معین استفاده شود.

چهارمحالی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «امکان‌پذیری ایجاد صندوق بازنشستگی خصوصی در ایران با مطالعه چند کشور منتخب» پس از بررسی صندوق‌های بازنشستگی در کشورهای آمریکا، شیلی، ترکیه، سوئد و انگلیس از دیدگاه محیط قانونی، چارچوب سازمانی و مقررات مالیاتی، صندوق‌های خصوصی بازنشستگی را نهادی مکمل نظام بازنشستگی دولتی در کشورهای یادشده معرفی می‌نماید؛ سپس با

بررسی چالش‌های موجود در سیستم دولتی کنونی برخی اصلاحات پیشنهادی برای نظام بازنشستگی کشور ارائه می‌کند.

زاده غلام (۱۳۸۹) در گزارشی که به وسیله واحد مطالعات و تحقیقات بیمه‌ای صندوق بازنشستگی کشوری منتشر شده است با عنوان «سالمندشدن جمعیت و اصلاحات سیستم‌های بازنشستگی» پس از تبیین سالمندشدن جمعیت و لزوم اصلاح ساختار صندوق‌های بازنشستگی در زمینه اصلاحات تأمین اجتماعی شامل طرح‌های بازنشستگی دولتی، بازنشستگی پیش از موعد، ازکارافتادگی، طرح‌های بیمه بیکاری، طرح‌های بیمه درمان، طرح‌های بازنشستگی خصوصی، سیاست‌های مالیاتی و سیاست‌های بازار کار و ... نشان می‌دهد که فرایند موفق الگوهای بازنشستگی، راهبردهای چندبعدی را به منظور افزایش مشارکت کارکنان مسن در بازار کار و پرهیز از به‌کارگیری غیر عمد بازنشستگی پیش از موعد را به وسیله هر شکل از پوشش‌های تأمین اجتماعی می‌طلبد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در هیچ کدام از مطالعه‌های پیش‌گفته به‌طور آشکار به پرسش تحقیق پیش رو، پاسخ داده نشده است؛ از این جهت بررسی فقهی طرح‌های بازنشستگی و امکان‌سنجی پیاده‌سازی طرح‌های بازنشستگی ترکیبی از دیدگاه فقه امامیه پژوهشی نو و بایسته است؛ در ادامه نخست ضمن مروری مختصر بر ادبیات طرح‌های بازنشستگی، به بررسی فقهی و تبیین مسائل فقهی طرح‌های بازنشستگی ترکیبی پرداخته و در پایان راهکارهای پیشنهادی جهت رفع مسائل شرعی طرح‌های مزبور به منظور اجرای آن در نظام بازنشستگی کشور ارائه خواهد شد.

انواع طرح‌های بازنشستگی

هریک از صندوق‌های بازنشستگی برای تعامل با اعضای خود از یک سازوکار قراردادی استفاده می‌کنند که به آن طرح بازنشستگی (Pension Scheme/Pension Plan) گفته می‌شود؛ از نگاه ساختاری و مزایای بازنشستگی، طرح‌های بازنشستگی به سه دسته طرح‌های با مزایای معین، طرح‌های با کمک معین و طرح‌های ترکیبی تقسیم می‌شوند:

۱. طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین

در این نوع طرح‌ها برای تعیین مزایای نهایی که اعضای طرح مستحق دریافت آن هستند از یک فرمول ویژه استفاده می‌شود؛ این فرمول، عموماً تابعی است از متوسط حقوق پرداختی در سال‌های پایانی یا کل سال‌های خدمت و سنوات خدمت عضو و همچنین یک عامل ضربی یا درصدی (نرخ تعهدی) است؛ این نوع طرح برای کارفرمایان بزرگ دارای کارکنان باثبات، مناسب است و از آنجاکه ریسک مدیریت و سرمایه‌گذاری به طور کامل متوجه بانی طرح است، کارفرما در تصمیم‌گیری‌های اساسی مانند نوع مزایا نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ هر چند به دلیل مشکل بودن تعیین دقیق بدهی‌ها و تعهدات طرح در قبال اعضای طرح، جابه‌جایی و انتقال افراد به‌سختی امکان‌پذیر است و از سویی تعیین قیمت تمام‌شده و هزینه‌های طرح برای متولی یا کارفرما بسیار دشوار است (Blake, 2006, pp.192-193).

۱۸۵

۲. طرح‌های بازنشستگی با مشارکت معین

این طرح‌ها بر اساس حق بیمه‌های پرداختی به حساب‌های انفرادی و بازده سرمایه‌گذاری بر موجودی این حساب‌ها (سود و زیان) فعالیت می‌نماید؛ به عبارت دیگر در این نوع طرح، حق عضویت‌های پرداختی به حساب افراد واریز شده و به سرمایه‌گذاری با استفاده این حساب اقدام می‌شود و سود یا زیان حاصل از سرمایه‌گذاری به صورت دوره‌ای در این حساب لحاظ می‌گردد؛ طرح‌های مشارکت معین قابلیت جابه‌جایی مزایا را فراهم می‌آورند تا اگر فرد به علت تغییر شغل یا بازنشستگی خواستار ترک کارفرما باشد، مزایا را به طور کامل با برداشت از حساب انفرادی افراد پرداخت نماید.

دو روش عمده برای تسویه طرح‌های با کسور معین وجود دارد: در روش اول دارایی‌های فرد که در یک حساب اختصاصی نگهداری شده به صورت یکجا (Lump-Sum) به وی پرداخت می‌شود؛ ولی در روش دوم که اتفاقاً بیشتر متداول است، صندوق دارایی فرد را به صورت مستمری‌های سالواره (Annuity) پرداخت می‌کند؛ حال این مستمری‌ها بسته به تقاضای عضو طرح، مبلغ مشخصی دارد (Level Annuity)؛ یا بر اساس یک شاخص تعیین می‌شود (Index-Linked Annuity) و یا مبلغ آن متناسب با یک

سرمایه‌گذاری دیگر مشخص می‌شود (Investment-Linked Annuity) (Ibid, pp.148-) (151).

۳. طرح‌های بازنشستگی ترکیبی

این طرح‌ها، ترکیبی از اجزای طرح‌های مزایای معین و کسور معین را در بردارند؛ در متداول‌ترین نوع طرح‌های بازنشستگی ترکیبی، آن بخش از مزایای صندوق بازنشستگی که به صورت مزایای معین تعریف شده است، غالباً توسط کارفرما تأمین می‌شود و بر اساس ضرایب کوچکی - برای نمونه یک درصد یا ۱.۲۵ درصد از متوسط حقوق نهایی - تعیین می‌شود؛ شایستگی برای بازنشستگی و شاخصه‌های صلاحیت دریافت مزایا معمولاً شبیه به طرح‌های با مزایای معین است با این تفاوت که این طرح‌ها از ویژگی‌های سخت‌گیرانه‌تری برخوردارند - برای نمونه از بازه زمانی بیشتری جهت محاسبه متوسط حقوق نهایی استفاده می‌کنند یا سال‌های خدمت برای رسیدن به بازنشستگی در این صندوق‌ها بیشتر است؛ ولی بخش دیگر از مزایای صندوق که به صورت مشارکت معین تعریف می‌شود، معمولاً بر اساس مشارکت‌های حداقلی الزامی کارکنان یا همان اعضای طرح است؛ اگرچه پرداخت‌های داوطلبانه بیشتر هم ممکن است مجاز باشد؛ نهایتاً در پایان عمر خدمتی و هنگام بازنشستگی، حساب مشارکت معین هر کارمند می‌تواند هم به صورت یکجا پرداخت شود و هم به سالواره تبدیل و پرداخت شود (Zorn, 2011, p.59).

شایان گفتن است که طرح‌های بازنشستگی ترکیبی علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های هر دو نوع طرح با مزایای معین و با کمک معین، از انعطاف بیشتری نیز برخوردارند؛ به نحوی که ریسک‌های سه‌گانه سرمایه‌گذاری (Investment Risk)، طول عمر (Longevity Risk) و نهایتاً ریسک تورم (Inflation Risk) تماماً بر عهده بانی طرح نیست؛ همان‌طور که اعضای طرح هم به تنهایی متحمل چنین ریسک‌هایی نمی‌شوند؛ ویژگی پیوندی بودن طرح‌های ترکیبی موجب استقبال صندوق‌های بازنشستگی در سال‌های اخیر به این نوع طرح‌ها شده است.

بررسی فقهی طرح‌های بازنشستگی ترکیبی

طرح‌های بازنشستگی ترکیبی، ترکیبی از دو نوع طرح بازنشستگی با کسور معین و با مزایای معین هستند؛ در بررسی فقهی چنانچه مسائل فقهی مربوط به هریک از این دو نوع طرح را احصاء و بررسی نماییم؛ می‌توان گفت مسائل فقهی طرح‌های ترکیبی را هم بررسی نموده‌ایم؛ از این جهت در ادامه مهم‌ترین مسائل فقهی مربوط به هریک از دو نوع طرح بازنشستگی با مزایای معین و با کسور معین ارائه می‌شود:

الف) طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین

اگرچه طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین انواع گوناگونی دارد که مسائل فقهی هریک از دیگری متفاوت است؛ ولی مهم‌ترین و متداول‌ترین نوع طرح‌های با مزایای معین از «طرح‌های مرتبط با حقوق» (Salary-Related Scheme) است که باز از میان این نوع طرح‌ها متداول‌ترین نوع «طرح‌های مبتنی بر حقوق دریافتی پایانی» (Final-Salary Scheme) می‌باشد؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این نوع طرح‌ها، فرد با صندوق بازنشستگی وارد معامله‌ای می‌شود که بر اساس آن میزان پرداختی وی به صندوق مشخص، ولی میزان دریافتی از صندوق نامشخص و در هاله‌ای از ابهام وجود دارد؛ اگرچه وضع مقرراتی همچون هم‌انباشتگی مقرری‌ها (Backloaded Benefits) تا حدودی از این ابهام می‌کاهد و این اطمینان را برای عضو طرح ایجاد می‌کند که متناسب با سال‌های خدمت یا عضویت در صندوق، میزان دریافتی از صندوق نیز افزایش خواهد یافت؛ ولی همچنان شفافیت مطلوب در قرارداد وجود ندارد؛ از اینجاست که شبهه غرری بودن طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین مطرح می‌شود؛ در ادامه به تفصیل در مورد غرری بودن این طرح‌ها بحث می‌شود.

ب) طرح‌های بازنشستگی با کسور معین

بیشتر مسائل فقهی طرح‌های بازنشستگی با کسور معین در نحوه پرداخت صندوق بازنشستگی به اعضای طرح است؛ به‌طور کلی دو روش عمده برای تسویه طرح‌های با کسور معین با اعضای خود وجود دارد: در روش اول دارایی‌های فرد که در یک حساب اختصاصی نگهداری شده به صورت یکجا (Lump-Sum) به وی پرداخت می‌شود؛ ولی در

روش دوم که اتفاقاً بیشتر متداول است صندوق، دارایی فرد را به صورت مستمری‌های سالواره (Annuity) پرداخت می‌کند؛ با توجه به انواع پرداختی‌های صندوق و روش‌های گوناگون تسویه صندوق با عضو طرح، مسائل فقهی متفاوتی پدید می‌آید؛ اگر چنانچه صندوق منافع بازنشستگی عضو را به صورت یکجا به وی پردازد که هیچ مشکل و مانع شرعی وجود ندارد؛ ولی در صورتی که صندوق، حقوق بازنشستگی عضو را در قالب سالواره به وی پرداخت کند، در اینجا شبهه ربوی بودن وجود خواهد داشت که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین مسئله در طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین، شبهه غرری بودن آن و مهم‌ترین مسئله در طرح‌های بازنشستگی با کمک معین، شبهه ربوی بودن سالواره‌های پرداختی به اعضاست؛ از این رو لازم است این دو مسئله به تفصیل بررسی شود.

شبهه غرری بودن طرح‌های بازنشستگی ترکیبی

برای بررسی غرری بودن طرح‌های بازنشستگی ناگزیریم معنای لغوی و اصطلاحی «غرر» را در نظر بگیریم؛ غرر واژه‌ای عربی است و معانی گوناگون دارد؛ تاج‌العروس آن را به معنای «خطر» آورده است (شیری و همکاران، ۱۲۰۵ق، ص ۴۴۳)؛ مجمع‌البحرین نیز غرر را به «خطر» تفسیر و تعریف کرده است (طریحی، ۱۳۷۵، واژه غرر)؛ در النهایه پس از تفسیر «الغره» به غفلت چنین آمده که از بیع غرر یعنی فروش چیزی که ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد، نهی شده است (طناحی، ۱۳۶۷، ص ۳۵۵)؛ ولی در خصوص معنای اصطلاحی غرر، فقیهان امامیه تعاریف گوناگونی را برای غرر ارائه نموده‌اند که این اختلاف تعاریف ناشی از اختلاف نظر آنان در مورد ماهیت غرر است؛ گروهی آن را در شرایط مبیع می‌بینند و گروهی در شرایط صحت بیع؛ برخی از فقیهان غرر را جهل دانسته‌اند (شهیدی تبریزی و انصاری، ۱۳۸۸، ص ۵)؛ به عنوان نمونه صاحب جواهر غرر را به صورت زیر تعریف نموده‌اند: «غرری که از آن نهی شده است؛ یعنی خطر ناشی از جهل به مقدار و صفات مبیع، نه مطلق خطر؛ زیرا در بیع کالای غایب ضرورتاً خطر حاصل می‌شود و حال آنکه بیع کالای غایب جایز است و یا در بیع سردرختی و محصولات زراعی، مادامی

که چیده و درو نشده باشند، غالباً خطر وجود دارد؛ ولی بیع آنها صحیح و معتبر است؛ بنابراین مراد از غرر، مطلق خطر نیست» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۸۸).

۱. بررسی شمولیت دلیل قاعده نفی غرر بر طرح‌های بازنشستگی

ممکن است با توجه به مدارک قاعده نفی غرر که عمدتاً اجماع و روایت معروف نبوی ﷺ «نهی النبی عن بیع الغرر» است و از آنجا که اجماع در اینجا اجماع مدرکی است و عمده دلیل آن، همین روایت نبوی ﷺ است که اتفاقاً تصریح به نفی غرر در بیع دارد، چنین مطرح شود که طرح‌های بازنشستگی از این جهت که قراردادهای مستقلی محسوب می‌شوند و لزوماً زیر عقد بیع نمی‌گنجدند، غرری بودن آنها منتفی است؛ ولی باید گفت اگرچه روایت معروف نبوی ظهور در بیع دارد و با توجه به اطلاق دلیل «نهی النبی عن بیع الغرر» هر بیعی که وصف غرر و خطر داشته باشد، اعم از اینکه این خطر ناشی از ذات معامله باشد یا خصوصیات عوضین و اعم از اینکه این خطر در حدی باشد که همه یا بخشی از اموال یکی از متعاملین یا هر دو را تهدید کند و اعم از اینکه سرچشمه این خطر خدعه و نیرنگ، غفلت یا جهالت یکی از متعاملین یا هر دوی آنها باشد، به حکم قاعده و حدیث نفی غرر، فاسد خواهد بود (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰)؛ ولی در خصوص شمول قاعده نفی غرر نیز باید گفت اگرچه بیشتر فقیهان نفی غرر را مخصوص معامله بیع می‌دانند، در مقابل گروهی از فقیهان این قاعده را شامل سایر ابواب معاملات نیز می‌دانند؛ برای نمونه حسینی مراغی بر این باور است قاعده نفی غرر اختصاص به بیع ندارد و در همه معاملات جاری است و برای این مطلب به تفصیل استدلال نموده که بیان آن از حوصله این پژوهش خارج است (همان، ص ۱۵۳)؛ همان‌طور که روایت دعائم‌الاسلام از امیرالمؤمنین ﷺ نیز دلالت بر شمول قاعده نفی غرر دارد؛ بر اساس این روایت «از حضرت علی ﷺ درباره فروش ماهی در نیزار، شیر در پستان و پشم در پشت گوسفندان پرسیده شد؛ حضرت فرمودند: هیچ یک از اینها جایز نیست؛ زیرا مجهول و ناشناخته و قابل کم و زیاد شدن است و این غرر است»؛ این روایت گرچه به مصداق‌های خاص بیع ناظر است؛ ولی به دلیل تعلیلی که در آن وجود دارد، قابل تعمیم است (نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۲۳۵)؛ از این جهت می‌توان در مورد طرح‌های بازنشستگی هم ادعا کرد که اگرچه این طرح‌ها لزوماً

عقد بیع نیستند، ولی از این باب که به عنوان قراردادهای مستقل و در عین حال برای جامعه اسلامی لازم و ضروری هستند، باید عاری از غرر باشند.

فارغ از شمول قاعده نفی غرر، اگر نگاهی به مبانی و فلسفه نفی غرر در معاملات هم داشته باشیم، می‌توان به اهمیت نفی غرر در طرح‌های بازنشستگی پی برد؛ مقصود از مبانی در اینجا، اساس و حکمت وضع قاعده است؛ به تعبیر دیگر، در صدد بیان «فلسفه حکم» هستیم؛ اصل داراشدن بلاجهت و جلوگیری از ضرر و اصل اتقان در عمل و جلوگیری از نزاع مبانی قاعده نفی غررند.

اصل داراشدن بلاجهت و جلوگیری از ضرر: هر چند این اصل در کتاب‌های فقهی به عنوان مبنای قاعده یادشده، ذکر نمی‌شود، ولی نباید چنین پنداشت که حقوق اسلام با مفهوم استفاده نامشروع و داراشدن بلاجهت بیگانه بوده و فقیهان اسلامی درباره آثار آن سخنی نگفته‌اند؛ در آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء، در این مورد به‌طور کلی اشاراتی شده است و بیشتر مفسران معاملات غرری را از جمله مصادیق بارز باطل - اکل مال به باطل - می‌دانند؛ استیفای نامشروع و داراشدن بدون جهت به ضرر و ظلم منتهی می‌شود؛ زیرا نتیجه معامله که همان داراشدن شیء معادل ثمن است، در معامله غرری حاصل نمی‌شود و به این دلیل یکی از طرفین بدون جهت بیش از استحقاق خود مالک می‌شود و دیگری بدون جهت و بدون عوض مالی را از دست می‌دهد و این ضرر است و ضرر در اسلام ممنوع است - لاضرر و لاضرار فی الاسلام - به همین دلیل معامله غرری از نظر اسلام مشروع نمی‌باشد (مصباحی مقدم و رستم‌زاده گنجی، ۱۳۸۶، ص ۴۹).

اصل اتقان: از جمله اصولی که مبنایی برای منع معاملات غرری محسوب می‌شود، «اصل اتقان در عمل» است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶)؛ یعنی افراد باید همواره معاملات و عقود بین خود را محکم، استوار و بی‌خلل پدید آورند و از سهل‌انگاری و سست‌بنیادی در کارها پرهیز نمایند؛ زیرا سهل‌انگاری در قراردادها و روابط تجاری به غرر و احتمال خطر منجر می‌شود و یکی از حکمت‌ها و فلسفه‌های منع معامله غرری با توجه به اصل یادشده، جلوگیری از مسامحه‌هایی است که به غرر می‌انجامد؛ چنان‌که بسیاری از فقیهان در کتاب‌های فقهی خود و نیز حقوقدانان به جلوگیری از نزاع و خصومت به عنوان

یکی از حکمت‌های وضع قاعده نفی غرر اشاره کرده‌اند (مصباحی مقدم و رستم‌زاده گنجی، ۱۳۸۶، ص ۵۰).

۲. تطبیق قاعده نفی غرر در طرح‌های بازنشستگی

حال که لزوم عاری بودن طرح‌های بازنشستگی از غرر و معاملات غرری مشخص شد، لازم است غرری بودن طرح‌های بازنشستگی را بررسی نماییم؛ همان‌طور که می‌دانیم یکی از تطبیقات قاعده نفی غرر، خطر بی‌اطلاعی از ارزش عوضین است؛ گاهی یکی از عوضین یا هر دو از دیدگاه جنس، نوع، اوصاف و مقدار مجهول است؛ به طوری که ارزش مالی آن مجهول است؛ در نتیجه پرداخت عوض در مقابل آن از لحاظ مالی خطری است (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۹۴)؛ چنین امری در طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین به وضوح مشاهده می‌شود؛ در این طرح‌ها آورده یک طرف که همان عضو صندوق بازنشستگی باشد معین است؛ در حالی که ارزش مبالغ دریافتی از صندوق در دوران بازنشستگی نامشخص و مبهم است؛ اگرچه قواعد و رویه‌هایی برای پرداخت مستمری در دوران بازنشستگی وجود دارد که اعضا با پیوستن به طرح بازنشستگی، عملاً آنها را قبول می‌کنند؛ ولی اولاً این رویه‌ها در طول زمان و با تغییرات مدیریتی دستخوش تغییر می‌شود و در بیشتر موارد تغییرات حاصله به اطلاع اعضا نمی‌رسد؛ ثانیاً خود این قواعد هم از ابهام برخوردارند؛ برای نمونه طرح بازنشستگی با مزایای معینی را در نظر بگیرید که اعلام می‌کند مستمری بازنشستگی اعضا را بر اساس حقوق سال آخر خدمت پرداخت می‌کند؛ حال با توجه به اینکه در طول مدت خدمت اعضا آیم‌های حقوق پرسنل و طبقه‌بندی‌های آن تغییر می‌کند، حقوق سال آخر قابل تأویل می‌باشد؛ بدین ترتیب که برای دو نفر با شرایط مشابه ممکن است بسته به تشخیص مدیر امور منابع انسانی یا مدیر صندوق بازنشستگی، دو مستمری بازنشستگی متفاوت تعیین گردد؛ همان‌طور که ممکن است همین دو نفر که تا سال قبل از آخر خدمت از شرایط مشابه برخوردار بودند، صرفاً به این خاطر که در سال پایانی یکی ارتقا و دیگری تنزل می‌یابد، از مستمری بازنشستگی متفاوتی برخوردار شوند؛ این در حالی است که آورده آنان به صندوق یکسان بوده است؛ از این رو باید گفت طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین با چنین ویژگی‌هایی غرری محسوب می‌شوند و همان‌طور که می‌دانیم

معاملات غرری باطل و در برخی موارد حرام هستند؛ چراکه اسلام برای سامان دادن معاملات مردم و جلوگیری از نزاع‌ها و اختلافات، تمام معاملات غرری را باطل می‌شمرد و اگر این غرر ناشی از خدعه و نیرنگ یکی از متعاملین یا هر دو باشد، علاوه بر حکم وضعی بطلان، حکم تکلیفی حرمت نیز خواهد داشت (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵).

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که ملاک تشخیص غرری بودن یک معامله چیست؟ و بر چه اساسی می‌توان حکم به غرری بودن طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین نمود؟ پاسخ به‌طور خلاصه «عرف» است؛ برخی فقیهان بر عرفی بودن غرر تصریح کرده‌اند که «مناطق در بطلان بیع مجهول، غرر و سفاهت است در عرف و عادت»؛ یعنی غرر تابع عرف و عادت است (میرزای قمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۷۰)؛ شاید معامله‌ای پیدا نشود که از تمام جهات اطلاعات کامل و شفاف داشته باشد و هیچ خطر و احتمال خسارتی در کار نباشد، اینجاست که به معیاری برای تفکیک نیاز پیدا می‌شود؛ به اعتقاد بیشتر فقهای که متعرض مسئله شده‌اند، معیار قضاوت عرف است؛ اگر میزان خطر و احتمال خسارت به اندازه‌ای باشد که عرف وقتی متوجه شود، ترتیب اثر نمی‌دهد چنین خطری غرر به شمار نمی‌آید و سبب فساد معامله نمی‌شود؛ ولی اگر خطر به حدی باشد که عرف آن را خطری بااهمیت دانسته و از آن پرهیز کند، چنین خطری غرر بوده و موجب بطلان معامله می‌شود (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲)؛ مرحوم شهید در غایة‌المراد می‌گوید: «غرر آن احتمال خسارتی است که عرف از آن خودداری می‌کند به‌طوری‌که اگر کسی خودداری نکند بر آن کار توییح می‌شود» (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۹۴)؛ حال ممکن است گفته شود که طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین که در دنیا رواج دارد و در ایران هم بیشتر سازمان‌ها از آن استفاده می‌کنند از نظر عرف صحیح است و همین کثرت استعمال دلیلی بر قبول عرف است؛ ولی باید گفت اگرچه تاکنون این طرح‌ها از سوی مردم مورد پذیرش قرار گرفته؛ ولی با توجه به تغییر پارادایم حاکم بر فضای کسب‌وکار و چالش‌های پیش روی صندوق‌های بازنشستگی و کسری‌های فزاینده که آنها را مجبور به تجدیدنظر در نحوه محاسبات مستمری‌های بازنشستگی خواهد کرد، آن‌گاه ادعای پذیرش عرف با تردید روبه‌رو می‌شود؛ از این‌رو چنانچه قصد اصلاح ساختاری داشته باشیم و بخواهیم با رویکرد آینده‌نگر به این طرح‌ها نگاه کنیم، در می‌یابیم غرری بودن آنها دور از ذهن نیست؛ برای

نمونه بانکی را در نظر بگیرید که به خاطر ترتیبات قراردادی اش دچار کسری منابع شده است؛ حال در مقطعی قرار دارد که منابع موجود تکافوی بخشی از سپرده‌گذاران را نموده؛ ولی بخش دیگری از سپرده‌گذاران از دریافت سپرده خود محروم خواهند شد؛ آیا می‌توان با این استدلال که چون تاکنون رویه بانک مورد پذیرش عامه مردم بوده، آن را صحیح دانست؟ البته در مورد طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین - همان‌طور که در بخش بعدی اشاره خواهد شد حتی در صورت غری بودن با اعمال تغییراتی امکان اصلاح وجود دارد.

شبهه ربوی بودن طرح‌های بازنشستگی ترکیبی

ربا در لغت به معنای زیادی، برآمدگی و بلندی است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۰۴)؛ طریحی هم ربا را به همین معنا آورده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۷)؛ ربا در اصطلاح اقتصادی به معنای فایده و یا سودی است که ربا دهنده از پول خود به صرف گذشت زمان و نه کار و یا عوض به دست می‌آورد؛ به عبارت دیگر ربا یعنی زیادی بر اصل مال بی‌آنکه در مقابل آن کاری انجام شود و یا عوضی پرداخت گردد (گرامی، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

با توجه به دلایل روشن تحریم ربا از جمله تصریح قرآن کریم - (بقره: ۲۷۵، ۲۷۸ و ۲۷۹) - در این مورد، لازم است ربوی بودن طرح‌های بازنشستگی بررسی شود؛ در ادامه نخست مستمری‌های بازنشستگی را که به صورت سالواره پرداخت می‌شود بررسی نموده و با توجه به شباهت آن با دیگر مسائل فقهی مستحدثه، به منظور استنباط حکم سالواره از مباحث فقهی سوآپ، خرید پول و جبران کاهش پول بهره می‌گیریم.

۱. مفهوم سالواره

در طرح‌های بازنشستگی با کمک معین، هنگام موعد بازنشستگی این اختیار برای اعضا وجود دارد که مستمری‌های بازنشستگی را برای سال‌های مشخصی (Temporary Annuity) دریافت نمایند یا مستمری تا پایان عمر (Lifetime Annuity) به آنها پرداخت شود؛ به نوع اول مستمری‌ها سالواره (Annuity) و به نوع دوم مستمری مادام‌العمر (Perpetuity) می‌گویند.

«سالواره» عبارت است از سطح مشخصی از جریان‌های نقدی که برای مدت زمان معینی پرداخت می‌شود (Ross et al., 2010b, p.152)؛ فرمول محاسبه ارزش روز سالواره به شرح زیر است؛ به عامل تنزیل در این فرمول عامل بهره ارزش روز سالواره (PVIFA/Present Value Interest Factor for Annuities) نیز می‌گویند (Ross et al., 2010b, p.153)؛ مقرری‌هایی که افراد در موعد بازنشستگی دریافت می‌کنند یا پرداخت‌های لیزینگی و وام‌های رهنی همگی از مصادیق سالواره به شمار می‌روند (Ross et al., 2010a, p.164).

$$\begin{aligned} \text{Annuity Present Value} &= C \times \left(\frac{1 - \text{Present Value Factor}}{r} \right) \\ &= C \times \left(\frac{1 - \frac{1}{(1+r)^t}}{r} \right) \end{aligned} \quad (1)$$

«مستمری مادام‌العمر» به جریان‌های نقدی ثابتی گفته می‌شود که برای مدت زمان نامحدود پرداخت می‌شود؛ یک نوع معروف از اقساط مادام‌العمر، اوراق قرضه کنسول است؛ این اوراق قرضه در بریتانیا منتشر می‌شود و خریدار آن به صورت مادام‌العمر از دولت بریتانیا کوپن دریافت می‌کند (Ibid, p.161)؛ فرمول محاسبه ارزش اقساط مادام‌العمر به شرح زیر است؛ در این فرمول C مبلغ کوپن و r نرخ بهره است (Ibid, p.162).

$$\begin{aligned} \text{Present Value} &= \frac{C}{1+r} + \frac{C}{(1+r)^2} + \frac{C}{(1+r)^3} + \dots \\ &= \frac{C}{r} \end{aligned} \quad (2)$$

همان‌طور که از فرمول‌های محاسبه ارزش روز سالواره و مستمری‌های مادام‌العمر مشخص است، عامل تنزیل که همان نرخ بهره باشد در ارزش‌گذاری نقش اساسی دارد؛ از آنجاکه نرخ بهره در محاسبه ارزش کوپن‌های پرداختی به مشتریان یا همان مستمری‌های بازنشستگی نیز به‌طور مستقیم تأثیر دارد، شبهه ربوی بودن این معاملات مطرح است؛ به منظور استخراج و استنباط حکم فقهی این قراردادها، در ادامه به بررسی ربوی بودن قراردادهای سوآپ، خرید پول و جبران کاهش ارزش پول می‌پردازیم.

۲. بررسی ربوی بودن قراردادهای سوآپ

سوآپ، توافقی است بین دو طرف قرارداد برای معاوضه جریان‌های نقدی در آینده با دو نوع پرداخت متفاوت از بدهی یا دارایی‌ها؛ قرارداد مزبور، تاریخ پرداخت و چگونگی محاسبه جریان‌های نقدی را که باید پرداخت شود، مشخص می‌کند؛ به‌طور معمول محاسبه جریان‌های نقدی شامل ارزش آتی نرخ بهره، نرخ ارز یا دیگر متغیرهای بازار است (Hull, 2006, p.249)؛ بر این اساس می‌توان قرارداد سوآپ را مجموعه‌ای از پیمان‌های آتی با سررسیدهای گوناگون در نظر گرفت؛ با این تفاوت که در قرارداد سوآپ یک طرف معامله با قیمت قرارداد و طرف مقابل با قیمت روز، معامله را انجام می‌دهد (راعی و سعیدی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۵).

۱۹۵

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / امکان‌سنجی فقهی طرح‌های بازنشتگی ...

اگرچه سوآپ انواع مختلفی دارد که از آن جمله می‌توان به سوآپ نرخ بهره، سوآپ ارز، سوآپ کالا، سوآپ اعتباری اشاره کرد؛ ولی متداول‌ترین نوع سوآپ و در عین حال نزدیک‌ترین آنها به عملیات موجود در صندوق‌های بازنشتگی از جهت تطبیق سازوکار و امکان‌سنجی مشروعیت فقهی، سوآپ نرخ بهره است؛ در این نوع سوآپ طرفین معامله جریان‌های نقدی نرخ بهره‌ای آینده را با هم معاوضه می‌کنند، بدون اینکه در ابتدای کار مبلغی را به صورت اصل یا پایه معامله رد و بدل کنند؛ البته طرفین مبلغی را به صورت پایه معامله مد نظر قرار می‌دهند که فقط نقش معیار جهت پرداخت‌های نرخ بهره متناسب با آن را دارد؛ سوآپ نرخ بهره بیشتر به وسیله مؤسسه‌ها یا شرکت‌هایی استفاده می‌شود که قصد دارند با قراردادن خود در معرض نوسان‌های نرخ بهره به سود برسند (معصومی‌نیا و بهاروندی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵)؛ قراردادهای سوآپ رایج اشکال‌های شرعی گوناگونی دارند؛ عمده این اشکال‌ها عبارت است از بیع دین به دین، کالی به کالی و ربا؛ از این رو نمی‌توان این معامله‌ها را با موازین فقهی تصحیح کرد (همان، ص ۲۱۹)؛ امکان استفاده از قراردادهای سوآپ نرخ بهره تنها در قالب صلح دین به دین جایز است (محقق‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰).

همان‌طور که از تعریف سوآپ نرخ بهره هم بر می‌آید، در این قرارداد هر دو جریان نقدی تعهدی و مربوط به آینده است؛ درحالی‌که در پرداخت سالواره در طرح‌های بازنشتگی با کمک معین یک جریان نقدی مربوط به حال و دیگری مربوط به آینده است؛

بر این اساس حتی اگر با استفاده از صلح دین به دین امکان بهره‌مندی از سوآپ نرخ بهره باشد، ولی تصحیح طرح‌های بازنشستگی با استفاده از صلح وجود ندارد.

۳. بررسی ربوی بودن خرید پول

فقیهان بزرگوار بنا بر شرایطی مانند لزوم گرفتن و پرداخت نقدی در هنگام دادوستد و زیادنبودن مقدار، خرید و فروش طلا و نقره را جایز شمرده‌اند؛ ولی برابر با دیدگاه فقیهان معاصر، خرید و فروش پول‌های جدید (اسکناس)، احکام بیع صرف را ندارد؛ آنان درباره حکم جواز یا عدم جواز خرید و فروش پول‌های اعتباری، سه دیدگاه دارند:

الف) جواز خرید و فروش مطلقاً

برخی از فقیهان معاصر، در هر صورت، خرید و فروش پول را جایز می‌دانند؛ چه به مبلغی کمتر یا بیشتر از همان پول، چه دادوستد پول دو کشور، چه به صورت نقد یا نسیه و چه غرض عقلایی در دادوستدش باشد یا نه؛ از جمله قائلین به این دیدگاه می‌توان به آیت‌الله *فاضل لنکرانی* رحمته‌الله علیه و آیت‌الله *یوسف صانعی* اشاره کرد؛ بر اساس نظر ایشان، گرچه خرید و فروش اسکناس از نظر موازین فقهی مانعی ندارد، فرقی بین کم و زیاد، وجود و عدم مدت و نیز کوتاه و درازبودن مدت نمی‌کند؛ زیرا که اسکناس از مکیل و موزون نیست و ربای معاوضی، تنها در مکیل و موزون جریان دارد؛ ولی بهتر آن است که از انجام آن پرهیز شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۴، مسئله ۱۰۲۹).

ب) خرید و فروش پول با غرض عقلایی

بسیاری از فقیهان، خرید و فروش پول را جایز دانسته‌اند؛ ولی آن را به داشتن قصد جدی در دادوستد و غرض عقلایی، قید زده‌اند؛ از این دسته عالمان می‌توان به آیات عظام مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، محمدعلی گرامی، مرتضوی لنگرودی، صالحی مازندرانی و سیدمحمدحسن بجنوردی اشاره کرد؛ آیت‌الله مکارم شیرازی، در پاسخ به جواز یا عدم جواز خرید و فروش اسکناس می‌فرماید:

اسکناس جزء معدودات است و قاعداً حکم ربا در خرید و فروش آن جاری نمی‌شود؛ ولی در اینجا مشکل دیگری وجود دارد و آن، اینکه در عرف عقلا، اسکناس همیشه ثمن واقع می‌شود و جنبه مثنی ندارد؛ هیچ کس در عرف بازار، نمی‌گوید من ده هزار تومان نقد

را به شما می‌فروشم به یازده هزار تومان، یک ماه؛ مگر کسانی که بخواهند آن را حيله فرار از ربا قرار دهند؛ یعنی در واقع، می‌خواهند با ربا وام بدهند و نام آن را بیع می‌گذارند و این‌گونه فرارها، اعتباری ندارد؛ تنها دو مورد استثنا در این مسئله وجود دارد: نخست، خرید و فروش ارزهای مختلف که مثلاً دلار را با تومان مبادله می‌کنند و در عرف عقلاً دیده می‌شود؛ دیگری معامله نقدی اسکناس‌های کوچک و بزرگ یا نو و کهنه با تفاوت مختصر به خاطر استفاده از نوبودن اسکناس یا کم‌حجم‌بودن آن در مسافرت و غیر آن؛ در غیر این دو صورت اسکناس، مثنی واقع نمی‌شود (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳).

ج) عدم جواز خرید و فروش پول

برخی دیگر از فقیهان، در همه صورت، خرید و فروش پول‌های یک جنسی را جایز نمی‌دانند؛ این فقهای بزرگوار بر این باورند که خرید و فروش اجناس و کالاها جایز است و پول نیز که جنس و مال نیست، دادوستدش جایز نخواهد بود؛ هر چند ایشان خرید و فروش ارزهای خارجی را جایز می‌دانند؛ مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در زمره این دسته از فقهاست (همان).

در مجموع باید گفت از آنجاکه دو میزان پول مصداق یک جنس است، این معامله مصداق مبادله یک جنس در برابر همجنس خود خواهد بود و با ربای معاملی روبه‌رو خواهیم شد؛ مبادله یک جنس به همان جنس به این شرط بی‌اشکال است که هیچ کدام زیادتر از دیگری نباشد؛ این حکم اختصاص به بیع ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۳۶)؛ ممکن است گفته شود این حکم در مکیل و موزون جاری است و در معدود مبادله به زیاده بی‌اشکال است (همان)؛ پاسخ این است که این معامله حتی اگر در عرف هم بیع باشد، ولی شرعاً از مصداق‌های حيله‌های ربای غیر مجاز خواهد بود (یوسفی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰)؛ جایزدانستن چنین معامله‌ای با حکمت تحریم ربا در تنافی است؛ ربا تحریم شده تا مردم نتوانند با دادن پول کمتر پول زیادتر به دست آورند؛ هنگامی که دو طرف متعهد به مبادله دو جریان درآمدی می‌شوند، در حقیقت پذیرفته‌اند یک طرف، زیاده‌ای را به دیگری بپردازد؛ فرض تساوی دو جریان درآمدی بسیار نادر است و قریب به اتفاق اوقات یکی بیشتر از دیگری است (معصومی نیا و الهی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴).

در خصوص اینکه آیا پرداخت سالواره از جانب صندوق بازنشستگی به اعضا در موعد بازنشستگی خرید و فروش پول می‌باشد یا خیر باید گفت اگرچه شاید در ظاهر در مقابل پولی که به عنوان منافع کل بازنشستگی اعضا در موعد بازنشستگی است گواهی پرداخت سالواره از طرف صندوق اعطا شود؛ ولی در واقع این قرارداد مصداق خرید پول است؛ چراکه در آن یک طرف - عضو طرح - مبلغی را به صورت نقد می‌پردازد و در طرف دیگر - صندوق بازنشستگی - مابازای دریافت پول نقد، حاضر به پرداخت مبالغ مشخص، ولی به صورت نسیه و مدت‌دار می‌شود؛ با توجه به اینکه تساوی این دو جریان صرفاً در صورتی امکان‌پذیر است که ارزش زمانی پول لحاظ نشود و از آنجاکه در عملیات فعلی صندوق‌های بازنشستگی همواره مجموع پرداخت‌های مدت‌دار در قالب سالواره بیش از حقوق بازنشستگی کل عضو است، باید پذیرفت که این قرارداد یک قرارداد ربوی است.

۴. بررسی ربوی بودن جبران کاهش ارزش پول

همان‌طور که در بخش پیشین مطرح شد، دریافت سالواره در ازای پرداخت یکجای منافع بازنشستگی تنها در یک صورت می‌تواند صحیح باشد و آن اینکه دو جریان نقدی با هم برابر باشند؛ از آنجاکه مجموع پرداخت‌های صندوق بازنشستگی در قالب سالواره همواره بیشتر از مبلغ پرداختی عضو به طرح در موعد بازنشستگی است، بررسی جبران کاهش ارزش زمانی پول برای اظهار نظر در این موضوع لازم است.

یکی از مشکلاتی که در معاملات مدت‌دار وجود دارد، مسئله کاهش دائمی قدرت خرید پول است؛ بر اساس تعریف سنتی ربا، جبران کاهش قدرت خرید پول، داخل در تعریف رباست و از آنجاکه ربا حرام است از جبران کاهش قدرت خرید نهی می‌شود؛ بر اساس این تعریف سنتی مثلاً در قرض، قرض‌دهنده غالباً دچار ضرر می‌شود و هرچه مدت قرض بیشتر باشد این ضرر بیشتر است؛ این مسئله ناشی از دو چیز است: یکی اینکه از یک طرف فقیهان در این مسئله همان حکم پول‌های گذشته (درهم و دینار) را بر پول‌های فعلی جاری کرده‌اند و از طرف دیگر پول‌های فعلی نیز به طور مستمر دچار کاهش قدرت خرید در طول زمان می‌شوند (داودی و موسایی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۶).

بررسی تحلیلی وظایف پول نشان می‌دهد که مقدار ذخیره ارزش نیز جزء وظایف آن است و نظریه قدرت خرید درباره ماهیت پول ترجیح دارد؛ بر این اساس با تغییر ماهیت پول از پول فلزی صدر اسلام به پول اعتباری عصر حاضر، مسئله پول امروز به خصوص در وضعیت کاهش شدید و مستمر ارزش آن، پدیده‌ای مستحدثه است و احکام فقهی و حقوقی جدیدی می‌طلبد؛ صاحب پول ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید را طبق یک معامله شرعی و عقلایی به دست آورده و خواستار حفظ کامل این ارزش مبادله‌ای است؛ ولی در حالت کاهش ارزش پول، این ارزش از دست وی خارج می‌شود؛ از این رو دقت کردن در بحث جبران کاهش ارزش پول بایسته است (امینی و سماواتی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸).

دستاورد بررسی‌ها و پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره جبران کاهش ارزش پول به دو دسته کلی جواز - و بلکه لزوم - و عدم جواز تقسیم می‌شود؛ البته قائلین به عدم جواز جبران کاهش ارزش پول نیز خود کاهش ارزش پول را به عنوان یک پدیده موجود قبول دارند؛ ولی برخلاف وجود استدلال‌های معتبر ارائه‌شده از جانب قائلین به جواز، به استناد تعریف سنتی ربا، آنها را نقد کرده و جبران را جایز نمی‌دانند؛ نکته قابل توجه اینکه راه‌حل اساسی در نظر این دسته از پژوهشگران، «ثبات قیمت‌ها» است که در موضوع حاضر پاک‌کردن مسئله محسوب می‌شود (میرجلیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶).

از آنجاکه نظر عموم علما، جواز جبران است، در اینجا به طور مختصر به ادله آنان اشاره می‌شود؛ بر اساس نظر قائلین به جواز جبران، اگر ربا را هرگونه دریافت و پرداخت «زیادی» در مبادلات بر اساس قدرت خرید اقتصادی بدانیم، جبران کاهش قدرت خرید پول موضوعاً از تعریف ربا خارج می‌شود؛ با توجه به تغییر ماهیت پول نسبت به پول‌های گذشته و با استناد به دلایل زیر می‌توان به لزوم جبران کاهش ارزش پول پی برد:

الف) جبران کاهش قدرت خرید پول در معاملات مدت‌دار، موضوعاً از تعریف حقیقی ربا خارج است.

ب) قیمی شدن پول در طول زمان - به خاطر تغییر ماهیت آن - مستلزم جبران کاهش قدرت خرید پول است.

ج) عدم جبران کاهش قدرت خرید پول با اصل «عدم الظلم» ناسازگار است.

د) قاعده «لاضرر» ایجاب می‌کند که در معاملات مدت‌دار جبران کاهش قدرت خرید پول صورت گیرد (داودی و موسایی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵).

بنابراین باید گفت پول جدای از قیمی یا مثلی بودن چیزی جز قدرت خرید و قوه ابراء نمی‌باشد؛ بنابراین در تأدیه دیون مؤجل باید معیار بری‌الذمه شدن مدیون اداء قدرت خرید دریافتی در روز استقراض باشد و جبران کاهش قدرت خرید پول، نخستین گام در رسیدن به جایگاه حقیقی نهاد پول می‌باشد و این عمل از مصادیق ربا به حساب نمی‌آید (محمدی و مهدوی کلیشمی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹).

فارغ از اینکه در موضوع جواز یا عدم جواز جبران کاهش ارزش پول، حتی اگر لزوم جبران کاهش ارزش پول را هم ملاک قرار دهیم، در مورد طرح‌های بازنشستگی با کمک معین تنها در صورتی معاوضه دو جریان نقدی سالواره و پرداخت یکجا صحیح است که طرفین معامله یعنی صندوق بازنشستگی و عضو طرح قصد و نیت جبران کاهش ارزش پول را داشته باشند؛ بدیهی است ثمره عملی چنین قصدی حفظ قدرت خرید پول عضو طرح توسط صندوق است که تنها در صورتی محقق می‌شود که عضو طرح پول خود را نزد صندوق بگذارد تا صندوق از محل همان پول و عواید آن، قدرت خرید وی را حفظ کند؛ این در حالی است که در طرح‌های بازنشستگی متعارف منافع بازنشستگی به صورت یکجا از طرف عضو به صندوق تملیک می‌شود و صندوق از محل دارایی‌های خود - که البته این آورده عضو هم بخشی از آن است - نسبت به پرداخت سالواره اقدام می‌کند؛ بدیهی است چنین معاوضه‌ای مصداق بیع است و قصد حفظ قدرت خرید پول عضو اساساً مطرح نیست؛ افزون بر این، تحقق حفظ قدرت خرید در موضوع طرح‌های بازنشستگی با کمک معین مستلزم پرداخت اصل پول - که همان منافع یکجای بازنشستگی عضو است - به علاوه زیاده‌ای است که دقیقاً تکافوی کاهش ارزش آورده را طی زمان نماید؛ درحالی‌که در طرح‌های متعارف اساساً این محاسبات انجام نمی‌شود و پرداخت‌های صندوق به عنوان سالواره بر اساس نرخ بهره صورت می‌پذیرد.

راهکارهای پیشنهادی برای مسائل فقهی طرح‌های بازنشستگی

اکنون که غرری بودن و ربوی بودن به عنوان مهم‌ترین مسائل فقهی اجرای طرح‌های بازنشستگی ترکیبی تبیین شد، در این بخش در پی راهکارهای اصلاحی مربوط به هر کدام

از مسائل مزبور هستیم؛ از این رو در ادامه به طور مختصر اصلاحات پیشنهادی برای هریک از مسائل فقهی طرح‌های بازنشستگی ارائه می‌شود:

الف) ابهام‌زدایی از طرح‌های بازنشستگی: قاعده نفی غرر موجب می‌شود در طرح‌های بازنشستگی هرآنچه که موجب غرر می‌گردد شناسایی و برای حل آن راهکاری ارائه شود؛ اگرچه موارد غرر محصور در مصادیق یادشده در این پژوهش نمی‌شود؛ ولی به نظر می‌رسد دست‌کم مهم‌ترین آنها باشد؛ «خطر بی‌اطلاعی از ارزش عوضین» یکی از مصادیق وجود غرر در طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین است؛ دقت کردن در ترتیبات قراردادی، ارتقای سطح شفافیت و تنظیم قراردادهای بازنشستگی متناسب با سطح استعداد و توانایی صندوق بازنشستگی از جمله مواردی هستند که می‌تواند به ابهام‌زدایی از طرح‌های بازنشستگی کمک نماید؛ اجتناب کامل از غرر در معاملات اگر نگوییم غیر ممکن است، امری دشوار می‌باشد؛ ولی غرر نیز نباید به حدی باشد که موجب اتصاف معامله به آن شود؛ از این جهت نهاد ناظر می‌تواند با وضع مقررات شفاف و تدوین دستورالعمل‌های مشخص کمک شایانی به ابهام‌زدایی از طرح‌های بازنشستگی نماید.

۲۰۱

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / امکان‌سنجی فقهی طرح‌های بازنشستگی ...

ب) پرداخت سالواره از محل دارایی‌های عضو طرح بازنشستگی: همان‌طور که در بخش‌های پیشین توضیح داده شد، پرداخت سالواره از سوی صندوق بازنشستگی در ازای دریافت یکجای منافع بازنشستگی اعضا، با شبهه ربوی بودن روبه‌روست؛ نخستین راهکار اصلاحی برای رفع شبهه ربوی بودن سالواره این است که سالواره از محل دارایی‌های عضو طرح بازنشستگی نزد صندوق بازنشستگی پرداخت شود؛ بدین ترتیب به جای اینکه عضو طرح، در موعد بازنشستگی با پرداخت یکجای منافع بازنشستگی، یک قرارداد سالواره خریداری نماید، منافع مزبور را نزد صندوق باقی بگذارد و صندوق هم از آن محل، در مقاطع زمانی مشخص به پرداخت مبالغی مشخص به بازنشسته اقدام کند؛ برای نمونه به اعضای طرح اجازه داده شود که به صورت ماهانه یا سالانه تا سقف مشخصی - مثلاً پنج درصد - از منافع صندوق برداشت نمایند؛ بر اساس این پیشنهاد بعد از بازنشستگی، وجوه در صندوق باقی می‌ماند و افراد فقط از آن وجوه مبالغ مشخصی را در مقاطع زمانی برداشت می‌نمایند (Manjoo, 2012, p.52)؛ البته صندوق برای جلوگیری از کاهش ارزش دارایی‌های عضو، می‌تواند پس از گرفتن رضایت وی، با وجوه مزبور سپرده‌گذاری و یا

سرمایه‌گذاری نماید که البته محاسبات مالی آن باید در حساب‌های جداگانه ثبت و نگهداری شود؛ بدیهی است در این مدل هرگاه مانده دارایی عضو نزد صندوق به صفر برسد، پرداخت سالواره از جانب صندوق متوقف می‌شود.

ج) پرداخت سالواره مرتبط با سرمایه‌گذاری مشروع: یکی از انواع سالواره، سالواره‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری (Investment-Linked Annuity) است؛ در این نوع قراردادها، عضو طرح، به جای دریافت یکجای منافع بازنشستگی در موعد بازنشستگی، آن را در اختیار صندوق بازنشستگی قرار می‌دهد تا صندوق با آن سرمایه‌گذاری نموده و سالواره‌ها را از محل درآمد سرمایه‌گذاری یادشده به عضو پرداخت نماید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا با مروری بر ادبیات نظام بازنشستگی به تبیین اهداف صندوق‌های بازنشستگی و تعریف انواع طرح‌های بازنشستگی پرداخته شد؛ طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین، طرح‌های بازنشستگی با کمک معین و نهایتاً طرح‌های بازنشستگی ترکیبی سه نوع متداول از انواع طرح‌های بازنشستگی هستند که در این میان طی سال‌های اخیر طرح‌های بازنشستگی ترکیبی در دنیا رو به افزایش هستند؛ از این رو پژوهش پیش رو به امکان‌سنجی فقهی این نوع طرح‌های بازنشستگی بر اساس فقه امامیه می‌پردازد؛ بر اساس بررسی فقهی صورت‌گرفته در پژوهش، دو شبهه غرری و ربوی بودن به عنوان دو مسئله اساسی طرح‌های بازنشستگی شناسایی شد؛ مشخصاً شبهه غرری در مورد طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین و شبهه ربوی نیز در مورد طرح‌های بازنشستگی با کمک معین وجود دارد؛ پژوهش پیش رو ضمن بررسی تفصیلی هریک از دو شبهه یادشده و تبیین شقوق مختلف و مصادیق آنها، راهکارهایی جهت اصلاح طرح‌های بازنشستگی به منظور اجرای طرح‌های بازنشستگی ترکیبی ارائه نمود؛ این راهکارها شامل دو بخش یعنی راهکارهای اصلاحی و راهکار ابداعی تکافل هستند؛ از جمله راهکارهای اصلاحی در این مقاله می‌توان به «ابهام‌زدایی از طرح‌های بازنشستگی»، «پرداخت سالواره از محل دارایی‌های عضو طرح بازنشستگی» و «پرداخت سالواره مرتبط با سرمایه‌گذاری مشروع» اشاره کرد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ النهایة فی غریب الحدیث و الأثر؛ تحقیق محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۱، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۵ ق.
۳. امینی، علیرضا و عباس سماواتی؛ «موضوع شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول»؛ جستارهای اقتصادی، س ۴، ش ۱، ۱۳۸۶.
۴. انتظاری، بهروز و نرگس حسینی نیا؛ نشریه آماری صندوق بازنشستگی کشوری؛ تهران: دفتر برنامه ریزی و توسعه سیستم های صندوق بازنشستگی کشوری، آخرین دسترسی در تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۰.
۵. چهارمحالی، حسن؛ امکان پذیری ایجاد صندوق بازنشستگی خصوصی در ایران با مطالعه چند کشور منتخب؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی علیه السلام، ۱۳۸۸.
۶. داودی، پرویز و میثم موسایی؛ «پژوهشی درباره ربا و جبران کاهش خرید پول»؛ مطالعات جامعه شناختی، س ۱، ش ۶، ۱۳۷۹.
۷. راعی، رضا و علی سعیدی؛ مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳.
۸. روغنی زاده، مصطفی؛ تحلیل ریاضی بر وضعیت صندوق های بازنشستگی ایران و طراحی سیستم بهینه برای صندوق های یادشده (گزارش پروژه)؛ تهران: انتشارات صحفی، ۱۳۸۴.
۹. زاده غلام، زهرا؛ سالمندشدن جمعیت و اصلاحات سیستم های بازنشستگی؛ تهران: واحد تحقیقات و مطالعات بیمه ای واحد حسابرسی صندوق بازنشستگی کشوری، ۱۳۸۹.

۱۰. زبیدی، محمدبن محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تصحیح علی شیری؛ بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۲۰۵ق.
۱۱. شکوری، مرتضی؛ آثار تغییرات ساختار سنی جمعیت ایران بر صندوق بازنشستگی کشوری؛ تهران: صندوق بازنشستگی کشوری، ۱۳۸۸.
۱۲. شهیدی تبریزی، میرفتاح و مرتضی بن محمد امین انصاری؛ المکاسب؛ قم: سما قلم، ۱۳۸۸.
۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد: مجمع البحرین؛ ج ۱، تحقیق احمد حسینی اشکوری؛ تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۱۴. عبده تبریزی، حسین و میثم رادپور؛ مجموعه مقالات مالی و سرمایه گذاری؛ مقاله «تجدید ساختار نظام تأمین اجتماعی و بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران»؛ چ ۲، تهران: انتشارات پیشبرد، ۱۳۹۰.
۱۵. عطاریان، ایراندخت؛ چالش های صندوق بازنشستگی کشوری و راهبردهای برون رفت از آن؛ تهران: صندوق بازنشستگی کشوری، ۱۳۹۰.
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد؛ جامع المسائل؛ قم: امیرالعلم، ۱۳۷۶.
۱۷. گرامی، محمدعلی؛ «نگاهی نو به ملاک حرمت ربا»؛ فقه و حقوق، س ۱، ش ۳، ۱۳۸۵.
۱۸. محقق داماد، مصطفی؛ قواعد فقه؛ تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۹. محقق نیا، محمدجواد، حسین تملکی و هادی خواجه زاده دزفولی؛ «بررسی قراردادهای سوآپ نرخ بهره از دید فقه امامیه»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۳، ش ۵۲، ۱۳۹۲.
۲۰. محمدی، مهدی و غدیر مهدوی کلیشمی؛ «تحلیل فقهی - اقتصادی جبران کاهش قدرت خرید پول»؛ پژوهش های اقتصادی ایران، س ۱۸، ش ۵۵، ۱۳۹۲.
۲۱. مصباحی مقدم، غلامرضا و اسماعیل رستم زاده گنجی؛ «غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه»؛ جستارهای اقتصادی، س ۱، ش ۴، ۱۳۸۶.
۲۲. معصومی نیا، علی و مهدی الهی؛ «امکان سنجی فقهی استفاده از سوآپ کالا در بازارهای مالی ایران»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۱، ش ۴۴، ۱۳۹۰.

۲۳. معصومی‌نیا، غلام‌علی و احمد بهاروندی؛ «بررسی فقهی قراردادهای پوشش ریسک دارایی‌های ارزی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۳۱، ۱۳۸۷.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ تحریرالوسیله؛ قم: دارالعلم، ۱۳۷۹.
۲۵. موسویان، سیدعباس؛ بازار سرمایه اسلامی؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۲۶. میرجلیلی، سیدحسین؛ «جبران کاهش ارزش پول؛ نظریه و کاربرد»؛ جستارهای اقتصادی، س ۲، ش ۲، ۱۳۸۴.
۲۷. میرزای قمی، ابوالقاسم‌بن‌محمدحسن؛ جامع الشتات فی اجوبة السؤالات؛ تحقیق مرتضی رضوی؛ تهران: کیهان، ۱۳۷۱.
۲۸. نجفی، محمدحسن‌بن‌باقر؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ تحقیق ابراهیم سلطانی نسب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.
۲۹. نراقی، احمدبن‌محمد مهدی؛ عوائد الایام؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۳۰. نوری، حسین‌بن‌محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بیروت: موسسه آل‌البتیة لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۳۱. یوسفی، احمدعلی؛ خرید و فروش اسکناس (بررسی فقهی)؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۳۲. _____؛ «بررسی فقهی نظریه‌های جبران کاهش ارزش پول»؛ فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام، س ۳، ش ۸، ۱۳۸۱.
33. Blake, David; **Pension finance**; Chichester: John Wiley & Sons Ltd, 2006.
34. Hull, John; **Options, futures and other derivatives**; 6th ed. Englewood Cliffs, N.J., London: Pearson/Prentice Hall, 2006.
35. Manjoo, Faizal Ahmad; "The UK legal reforms on pension and the opportunity for Islamic pension funds"; In **J Islamic Acc and Bus Res** 3 (1), DOI: 10.1108/17590811211216050., 2012.

36. Ross, Stephen A.; Westerfield, Randolph; Jaffe, Jeffrey F.; **Corporate finance**; 9th ed. New York: McGraw-Hill/Irwin (The McGraw-Hill/Irwin series in finance, insurance, and real estate), 2010a.
37. Ross, Stephen A.; Westerfield, Randolph; Jordan, Bradford D.; **Fundamentals of corporate finance**; 9th ed., Standard ed. Boston: McGraw-Hill Irwin (The McGraw-Hill/Irwin series in finance, insurance and real estate), 2010b.
38. Zorn, Paul; "Alternative Retirement Plan Designs. Hybrid Plans"; **In Government Finance Review**, 2011.